

حقیقت

۱۳۵۹ دی ۷

شماره ۱۰۲۵

ماجرای

راهپیمائی و لغو آن

مقصد حزب جمهوری چیست؟

کارزار سیاسی مرتجعان نه‌ای که میرفت تا به به‌سوی بزرگی در روز پنج شنبه ۲۷ آذر ماه تبدیل شود موقتاً فـسـرو نشست . برنا به راهپیمائی با صلاح همگانی پیش از آنکه رسوایی خود را به همگان بروز دهد دستوراً نام لغو شد . اسام از بلوای بزرگی که توسط سران حزب جمهوری بنا موی و بهانه دفاع از " روحانیت مسازر " بقیه در صفحه ۳

سرمقاله

سازش بزرگ

با

شیطان بزرگ

آیا به پایان گروگان‌گیری رسیده‌ایم؟

از همان زمان که مجلس شورای اسلامی شرایطی گانه آزادی گروگانها را به تصویب رسانده معلوم بود که جاده سازش با آمریکا بر سر جاسوسان اسپیس هوا رگشته است . پس از مذاکرات پشت پرده و پیشنهادی وار طریق میانجی (الجزایر) با لافزه آقای رجایی - نخست وزیر "مکتبی" - اتمام قریب ابروع ماجرای گروگانها را با اطلاع عموم رسانند: "دیگر این آمریکا است که میتواند در موقع با هر روز برای عید پسا تولدیا هر نام مسئله‌ای که

میخواهد ، جاسوسان را از ایران ببرد ، یا دیگر گروهای که گره سیاسی با شـو محتاج به زمان باشد در اینجا ندا ریم . نقیض تضمین‌هایی است که از نظر مالی بقیه در صفحه ۲

گزارشی از فعالیت‌های پشت جبهه : کارخانه

تولید دارو - واحد کیوان

صفحه ۶

نیم‌نگاهی به

سمینار انجمن‌های اسلامی کارگران

صفحه ۲

شرکت تعاونی رانندگان ترابری

تهران فعالانه برای پیروزی در

جنگ میهنی می‌کوشد!

صفحه ۷

کرات پشت پرده و پیشنهادی وار طریق میانجی (الجزایر) با لافزه آقای رجایی - نخست وزیر "مکتبی" - اتمام قریب ابروع ماجرای گروگانها را با اطلاع عموم رسانند: "دیگر این آمریکا است که میتواند در موقع با هر روز برای عید پسا تولدیا هر نام مسئله‌ای که

هدف نجات‌الهی‌ها را تحقق بخشیم

سازات مردم یعنی دانشگاه ها با آمدنه ، دانشگاه تبدیل به استقبال کنندگان فرزندان استقلال - آزادی ایران شد . بقیه در صفحه ۵

مصادف با آزادی اولیه دست‌آزندان میان سیاسی شد . شور و صف ناشدنی تهران را فرا گرفته بود ، زندانیان سیاسی آزاد شده به میعاد دکه هدیرینسه

دو آبان ۵۷ دانشگاه چون آشنه‌ای تمام نما غلبان جنبش عمومی مردم ایران را منعکن کرد ، برپائی هفته همبستگی دانشگاه با مردم

چه کسی

می‌گوید

حزب

جمهوری

انحصار طلب

است !!!

صفحه ۴

سازش بزرگ

بقیه از صفحه اول
خواستیم (اطلاعات
۲۰ آذر ۱۳۵۹: تا تئید از ما ست)
آری! دیگر بزرگ دولت رجایی
(که در روزها) نوبینی "صفت
امپریالیستی" و "فدلیبرالی"
اش گوش فلک را شنیده است و
امپریالیسم آمریکا هیچ "گروه
سیاسی" بر سر میله گروگانها
فقط نقطه مسئله
بول است.

چند روز پس از این اظهارات
رئیس جناب نخست وزیر به پاسخ
شعایی ایران دومورد گروگان
تا بطور رسمی انتشار مییابد
سیاری از توافقات پشت پرده
را روه کند. اگر به این پاسخ
شعایی (مدرج در روزنامه
کیهان ۲۰ آذر ۱۳۵۹) رجوع
کنیم، بدرجه، سازش و عقب نشینی
که در مبارزه علیه آمریکا
جورت پذیرفته می خواهد بود:
اولاً: تنها شرطی که عملاً
برای آزادی گروگانها به پیش
گذارده شده است، عبارتست از
پول، پول و باز هم پول. زمانی
که بحث جنگ و چانه زدن فقط بر
سر پول باشد، بسیار طبیعی
خواهد بود که جناب نخست وزیر
بفرماید: "..... ما دیگر گره های
تنگ مسلمانان را نمی بینیم،
از دل نفعین هایی است که از نظر
مالی خواستیم ... گذشته
از این امر، پولهایی را هم که
طلب کرده اند، پولهای ملت
ایران میباشد که اکثریتی از
شروکان گیزی توسط آمریکا
غصب شده بود.
ثانیاً: دولت رجایی که

گویا بسیار از فدا مپریالیست
و "فدلیبرال" هم میباشد -
تعمداتی را به گردن گرفته
است که معارضش هیچ چیز جز
صدها گزاردن بیرون فروشی های
رژیم پهلوی و چپاولگری های
امپریالیسم آمریکانیت است.
در قسمت دوم از پاسخ شعایی
ایران، تحت عنوان "اقدامات
دولت جمهوری اسلامی ایران"
میخوانیم:
"الف... دولت
جمهوری اسلامی ایران ضمن
تعمد برداخت اقسام بدعی های
واقعی ناشی از وامها و
اعتبارات متخذه در گذشته بدین
وسيله دولت الجزایر اجازه و
اختیار میدهد که از منابع فوق
مبلغ یک میلیارد دلار بابت
تضمین اقساط عقب افتاده
و صهای فوق الذکر نگهداری
نموده..... و....."
"ب- نظریاً پیشگام دولت
جمهوری اسلامی ایران تخمه
برداشت دیون واقعی خود بجهت
تفراوتها مراسمات آمریکایی
میباشد، دولت ایران سعی
پذیرد که دعای مطر و شکرگشا
و شپروندان آمریکا علییه
ایران و مطالبات و دعای
اتباع و مؤسسات ایرانی علییه
اتباع و مؤسسات آمریکائی ..
حل و فصل گردد. دولت جمهوری
اسلامی ایران پرداخت دیون
مقبول، از منابع فوق، تضمین
نقدی اولیه ای معادل یک
میلیارد دلار..... نزده و قسمت
الجزایر را هدیه کرد."
بدین ترتیب مسئولیت
دولت جمهوری اسلامی، همین
"فدا مپریالیستها" و "فدلیبرالها"
لیبرالهای "حزب جمهوری
عملیات قروضی را که رژیم
منقرض پهلوی برای این ملت
ببار آورده بود، تقبل میکنند
تمام سرمایه گذاریهای امیر-
یا لیستی که مؤسسات غارتگر
آمریکایی در ایران کسوده و
بساط چپاولگریشان را گسترده
بودند بر سعیت میثنا سدوساز
پرداخت سرمایه های آنها را

تضمین میکنند، و دعای شوکت
ها و مؤسسات آمریکایی را مورد
قبول قرار میدهد و عملاً و علناً
بشدت مصوبه مجلس شورا را
صحنی بر "فدلیبرالیسم" و
شرکتها و افراد آمریکایی را
زیر پا میگذارد. از معنی سازش
و فقط از دو جنبه: بالاصبعی
توان دریافت است!
سازش با امپریالیسم
آمریکا بر سر گروگانها، برخلاف
انتظار بسیاری از نیروهای
سطحی نگرنده به سردمداری
"لیبرالها" بلکه به رهبری و بنا
میل و اراده رهبران حزب
جمهوری و مجلس و دولت متبوع
شان جنبه عملی و نهایی بخود
می یابد. حزب جمهوری با تمام
عوام فریبی های "فدا مپریالیسم"
لیستی و "فدلیبرالی" خود،
هدف اصلی اش تبخیر تمام
کمال قدرت میباشد. ولیسی
حزب جمهوری در دوران جنگ
مرتبط با به نای توده ای خود را
از دست داده اعتبار و حیثیت
کا ذیش لطمه جدی وارد آمد،
وا ز سر دیار بیستی صدر در رهبری
جنگ عملگرای بیعت را از حزب
جمهوری ربودند تا برای حزب
جمهوری برای تحکیم موقعیت
خود احتیاج به خاتمه جنگ
که عرصه خوبی برای تاخیر و
تا زایشان نیست، دارد. یکی از
راههای خاتمه جنگ، سازش با
حزب این جنگ بیستی امپریالیسم
لیسم آمریکا بوده است به همین
ظانیم با آغاز جنگ، بنا گهان
حزب جمهوری از طرفداران دو
آتشه آزادی گروگانها گردید.
این چنین است ماهیت واقعی
سردمداران حزب جمهوری: در
ظاهریستهای قلمب انداز گرفتن
و در باطن و در زیر پرده، تاخیر
زند حیثیت و شرافت ملتی بسا
بول!

اگر چه سردمداری این
سازش سنگین، بار خنجران دلال
صفت و فتنه گر حزب جمهوری
بوده، ولی این امر تا شاید
کامل بنی مدروها دارانش
و سایر ملین، و تن دادن اجبار

ری نیروهای منتصب به خمینی
به این سازش همراه بوده است
بنی مدرو لیبرالها از ابتدا با
گروگان گیری و این مبارزه
مخالف بودند، و حقیقت را بگو-
شیم بالاخره سیاست و "راه حل"
اینان با اجرا دارا آمد.
ولی خمینی و نیروهای
منتصب به او از روی اجبار -
اجبار ریقای - به این امر
تن داده اند. این امر نشان داد
که خمینی و جریان خرده بورژوازی
بی هوایاری، در مقابل
مشکلات و تفاوتهای پیچیده
انقلاب در مقابل مبارزه
طبقاتی حاد درون جامعه و
دعوی بزرگ بر سر قدرت
از توانایی رهبری مبارزه بسی
بهره هستند و بالاخره بزرگ بر سر
این و آن میروند. خمینی عملاً
نشان داده است که دیگر - بطور
مشخص - قدرت بشیر دارا انقلاب
را ندارد.
جالب توجه است که ایس
سازش با تاخیر خمینی نیروهای
دو آتشه "فدا مپریالیسم" چون
حزب توده و فدائیان (اکثریت)
نیز همراه بوده است. این نیرو
ها فعلاً سیاست نزدیکی به حزب
جمهوری را دنبال میکنند و سعی
خواهند کرد طریق و بنا تکیه بر این
نیروی ارتخامی بسوی قدرت
بخزند. بنا بر این فعلی برای
همه کارهای این یا نه نشانه جز
واضحاً ز طلب کف میزنند و اعمال
آنها را به شیوه "مارکسیستی"
توجه "علمی" مینمایند. اینان
که این همه درباره امپریالیسم
لیسم آمریکا و سرکردگسی اش
سینه چاک میدهند، معلوم نیست
چرا در مقابل این سازش آشکار
میرسکوت بر لب زده اند و بطور
ضمنی آن را تأیید میکنند؟ چون
این سازش از جانب و فقیانی "فد
امپریالیست" شان در حزب
جمهوری بنیاده میگردد!!
"پاسخ نهایی" دولت
رجایی بیباک گریک سازش بزرگ
ولکد مال کردن دستاوردهای
بقیه در صفحه ۷

ماجرای...

بقیه از مجله اول...
شمارک میزدیم بناگ شد. او و
شعدادی از ادارات فیسبان وی
فهمیدند که اینها را بنامند بهارهای
دیگر، که انحصار طلبان حزب
جمهوری اسلامی مردم را به راه...
بهداشتی های انحرافی بسرای
گزییدن این با آن سازمان و
عام کردن روحانیت در برابر بسری
دیگران دعوت میکنند، نسبی
باشد. هم مردم تحمل ایمن
برفها را ندارند هم درون این
" روحانیت " هماهنگی سابق
وجود ندارد. مردم کوچک و بزرگ
دشنامیده همدو همه جای ایران
واکنشهای سختی در میان توده
ها پدید میگیرد. ناخفت دیوانه...
و ارسران توطئه گر حزب جمهوری
و همدستانان برای روز پنج...
شنبه برای همانان گران تمام
خواهد شد.

نقشه چه بود؟

روزنامه "انقلاب اسلامی
(۲۷ آذر ۵۹) پس از نوبت...
به راه پیمایشی روز پنج شنبه
از تعدادی از دست اندرکاران
و افراد درگیر در این جریانات
در باره قضیه راه پیمایشی و
علت لغو آن نظر خواهی کرد.
غالباً با چیزی نگفتند و پایه
تجدید زکار ما مبرداختند.
ولی در این میان شیخ علی
نیرانی با اشاره به برنامی
ریزان این راه پیمایشی یعنی
حزب گذاشتی و همدستانانیش
و تقویت ربا بر آخت مطروح
اخت. وی گفت: " نظر من
اینست که اینها قصد داشتند

و مقدمات را هم فراهم کرده بود...
ندومیخواستند که راه پیمایشی
شود و مسلماً در قطعنا مه رئیس
جمهور و هواداران را محکوم
کنند و توطئه آیت را کامل کنند
و اما اینها دهنده که مسلماً مردم
در مقابلشان عکس العمل نشان
خواهند داد و هدفشان شکست
خواهد خورد.

مقدمات برنامی پنجم
شنبه را هم پیمایشی ها و تظاهرات...
تهای زورگویی پیش از آن، راه
افتادن دسته های چماق سوار در
شهرها برای بستن بازارها
بمعنای با ملاحظ اعتراض به
جریانی که میخواستند روحانیت
را تضعیف کنند، سبیل تلگرافها
و اعلامیه های معلوم الحال و
تعلیقات را دیو... تلویزیون
و برخی مطبوعات بود. ایمن
جنجال های برنامی برپا شده
که در بسیاری نقاط با اعتراض
مردم روبرو شد، همه زیر عنوان
سارزه علیه با ملاحظ. لیبرال
لیسم، مخالفان ولایت فقیه
و روحانیت، کسانی که بیانه
آزاد بخوای علیه ما میواریان
نزدیک امام توطئه میکنند و
غیره، برافشا در همه این
امور سران حزب گذاشتی از
مسامحت کامل سران خائنین
حزب توده و شوروی بردازیهای
هدف مندانه، این جریان مزدور
و وابسته به شوروی بر خوردار
بودند و با آنها همکاری داشتند.

صبح آزادگان به نیابت
از طرف اینها اعلام کرده اکنون
" پس از منافعین خلق رسیده...
ایم بهمین حرکت نوظهور ضد
روحانیت متعهد که با همکاری
عناصری از همین کمسوت در
لباس آزادیخواهی و میسارزه
با انحصار طلبی و... السخ "
جریان یافته است. یعنی کار
این پس مانده های ارتجاعی
از قضا با مجاهدین خلق، که
اخیراً مدها تن آرایشان را
دستگیر و بزندان افکندند،
به جایش رسیده که اکنون می-
توان سرفقت " حرکت توطهور "
بنی مدرو " مناصری از همین

کسوت " روحانیت یعنی علمی
تهرانی ها و لاهوتی ها رفتن و بیبا
آنها هم تکلیف را یکسره کرد.
البته در هفته دوم آذر ماه

کوششهایی پس از ملاقات بنی...
صدر با خمینی برای با ملاحظ
رفع اختلافات صورت گرفت و یک
هیئت پنج نفری با مورصدگی
با بن قضا شد؛ لیکن این به
معنای فروکشیدن آتش ایمن
اختلافات نبود. در واقع
رفسنجانی طی مساحبه ای با
بی اعتنائی اعلام کرده " ما
از این جلسات زیاد داشته ایم "
چهار روز بعد از تشکیل هیئت
پا دنده نیز حزب جمهوری اسلامی
بپا نیبه تهدید کننده ای صادر
و اعلام کرده حمله به حزب و سران
آن بمعنای حمله به روحانیت
و امام و خط امام است و
آنها " که " با ران نزدیک
اما چونان بهشتی ها، رفسنجا...
نی ها و خا منهای ها و... " اهداف
حمله قرار داده اند " در حقیقت
شخصیت اما را بزرگترین سوال
کشیده " و خلاصه با " امام و خط
اما مومبارزات دا منده ارضد
امیریا لیتی امام " در افتا...
ده اند. یعنی بنی مدرو جناح
وی، همچنین لاهوتی و تهرانی
و دیگران، هدف حمله اشان
اما مودعوا میان آنها سا و
" شخصیت امام " میباشند.
بدینسان قضیه طوری فرموله
و بدوران جا روجنجال میشود که
هم مردم دچار دوستگی و تجزیه
شوند و هم امام بطور کامل ولی
خصوصاً توده، ساد، طرفدار وی
علیه مخالفان برانگیخته
گردند.

در این زمان خمینی خود
از قوی شدن وزنه بنی مدرو در
میان توده ها و ایجاد یک قطبی
که در همه مسائل تابع اراده
وی، نیست درنگرانی بسر میبرد
و به آن بعنوان مخالف و رقیب
خود می نگرد. از دیدگاه او مسئله
اعلی حفظ موقعیت روحانیت
یعنی امتیازات آن در دولت
است و سیاست بنی مدرو طرف-
دارانش، اگر چه عده ای از رو-

حانیون منتصب به وی نیز با
این سیاست همراه باشند، هر
آینه اگر بر سیاست سران حزب
جمهوری و همپالگی های آنها
غلبه کند، نتیجه اش " تضعیف
روحانیت " در مجموع و در جهت
" جدایی دین از سیاست " می
باشد. که البته دور از واقع
نیست. همراهی خمینی با
سران حزب جمهوری با چاشنی
تحریقات روحانیت و نیز مرتجع
شهرهای مختلف توأم میشود.
در اصفهان بهنگام رفتن علمی
تهرانی برای سخنرانی در آنجا
تحریقات و بیعتی صورت میگیرد
و صحنه موقیبه که شیخ علی زانجام
سخنرانی بصرف و خواهان ترک
محیط میشود گروهی با یک
برنامی از قبیل تنظیم شده و یک
دستگاه ضبط صوت به ماشین
وی هجوم میبرند و آنقدر سه وی
دشنام میدهند، که شیخ علمی
عصبانی شده و چند کلمه ناسزا
نثارشان میکند. فوراً سوار
این چند کلمه، که توسط همان
افراد مهاجم ضبط شده بوده،
به حضور خمینی برده میشوند و
وی گفته میشود که شیخ علی به
طرفداران ناسزا میگوید،
در پی همین قضیه است که سه
خمینی جلوی خود را باخته
و در سخنرانی ۲۱ آذر خود می-
گوید بعضی ها " کتاب اخلاق
مینویسند و خودشان ممتصف
به اخلاق حسنه نیستند " و از این
حرفها! (شیخ علی کتابی
بنام اخلاق دارد) بعد هم باره
شدن یکی دو عکس از خمینی و
منتظری در اصفهان یا مشهد،
که قاعدتاً توسط افراد خودشان
بمنظور تحریک مردم صورت
گرفته، پیراهن عثمان میشود
و در همه جا فریاد میزنند که به
اما مومجانشین امام و طرف-
داران امام امانت شده است.
همین قضیه نا هراگانی بود که
آیت الله منتظری را، که سه
معمولاً خیلی زود تحریک می-
میشود و سی حساب و کتاب حرفی
را میزند و بعد هم ظاهراً بشیمان

نجات الیهی

بقیه از ملاحظه اول
 ارتجاع کهن هراسناک از شور
 ایجاد شده در ۱۳ آبان با کشتار
 دانش آموزان و دانشجویمان
 خواستار تشبیت خاکمیت خود
 گشت در ۱۴ آبان مردم و بخصوص
 دانشجویان و دانش آموزان در
 پاسخ به کشتار روز قبل تهران
 را در زیر قذائف استوارشان
 به لایحه در آوردند، ولیسن
 حشا در تهران در این روز
 بهت مردم در دانشگاه تهران
 به زیر کشیده شد و به مسرا آن
 حکومت "آشتی ملی" نیز سقوط
 کرد، دولت نظامی از هتاری
 برای کنترل اوضاع ابتدا
 دانشگاهها را به محاصره نظامی
 در آورد، تا در پرتوی دوختن
 لبان ملت خاکمیت خویش را
 تحکیم بخشند.
 در او خراذر، عده ای ار
 کا در علمی دانشگاه تهران در
 اعتراض به این عمل و خواست
 استیضاح دانشگاهها و برجیدن
 بساط حکومت نظامی در دبیر
 خانه دانشگاه تهران متحصن
 شدند، دو روز بعد عده ای دیگر
 از کا در علمی دانشگاههای
 ایران با تجمع در مقابل محل
 تحصن استادان که در محاصره
 قوای نظامی بود پشتیبانی
 خویش را از این اقدام اعلام
 نمودند، و برای اولین بار
 شعار دانشگاهها و سنگرزادی است
 را مطرح ساختند که به سمت
 دانشجویان این شعار را ایران
 کبر شد، روز دوم همین عده از
 استادان با همین خواست
 وزارت علوم را به اشغال در

آوردند، دانشجویان که خود
 معلم راستین مبارزات بودند
 برای شکوفائی مبارزات
 استادان نشان بیاری آنها
 شتافتند، آنها علاوه بر ترتیب
 دادن تظاهرات پشتیبانی از
 متحصنین غذای خویش را از
 خوابگاهها به وزارت علوم راهی
 کردند و با راهنمایی خیر
 نگاران به محل تحصن و طبع و
 نشراخبار مربوط به آن در
 شکوفائی این مبارزات سهمی
 بی ارزنده داشتند.
 کمیته های اعتماد بسی
 کارگری - کارمندی بسا
 ارسال پیام های همبستگی
 خویش را با متحصنین اعلام
 نمودند، کارکنان صنعت نفت
 در پیام همبستگی به استادان
 چنین اظهار محبت و محبت نمودند
 بودند: "شما شیکه از فرزندان
 این مرز و بوم دلاوران و آزا
 دگانی بیارمیا و ریدک، همواره
 پیشتان حرکت مردم و مساره
 فریادهای خلق بوده، رهنموند
 شما شیکه با اعلام هفته همبستگی
 تان فرمتی دادید تا همه اقشار
 اجتماع از جمله ما کارگران در
 پیوند و در همبازی انقلابیستان
 شرکت جوئیم و به نیروی خود
 ایمان بیاوریم..." و کارگران
 وزارت نیرو به نشانه همبستگی
 با متحصنین بهنگامیکه برق
 کلیه تهران را قطع میکردند
 برق در منطقه محل تحصن را بسا
 رشادت روشن باقی میگذاشتند
 آیت الله طالقانی در پیام
 پشتیبانی از این اقدام
 اظهار داشته بود: "همانطوریکه
 این ملت بیباک استه را با زور
 گلوله نمیتوان خاموش کرد
 دانشگاهها را نیز نمیتوان
 تعطیل و اشغال نمود." همه جا
 سخن از دانشگاه و تحصن بود.
 از هتاری برای نشان دادن
 اقتدار دولتت را اعلام نمود که
 مدارس از ۴ دی با زخوا هشد.
 با او نیز چون کلیه هم مسلک
 نش گور خوانده بودند چه که بهمت
 دانش آموزان قهرمان از آن
 پس کلاسهای واقعی درس در

خیا با ن ویلا و جلوی دبیرخانه
 دانشگاه تهران برپا شد. هر روز
 هزاران دانش آموز به گسترده
 محل تحصن تجمع نموده و بسا
 حمل شعار "دانشگاهها سنگرزادی
 است" ایران را دعوت به حمایت
 از این مبارزه حق طلبانه می
 کردند.
 در روز ۵ دی صدای خفیف
 گلوله های یکی از استادان
 متحصن در وزارت علوم را در
 تراس طبقه هفتم به خون کشید.
 خون سرخی که نشان از توانائی
 شکوفاشدن اقشار میانی جامعه
 داشت، کارگران در خون در غلطید
 و کلیه خبرنگاران و رهبران
 نجات الیهی را مغایر نمودند
 رژیم هراسناک از خشم
 مردم و برای ردگم کردن، این
 جنایت را کما نه کردن گلوله
 توصیف نمود، وزیر علوم وقت
 اعلام نمود که دولت برای او
 تشریفات ریسمی برگزار خواهد
 نمود (این عمل بی شبا هست
 به فاتحه خوانی لیبیرالها و
 سران حزب در کشتار ۲ اردی -
 بهشت دانشگاه تهران نمسی
 باشد) ولی در همان شب
 توسط گارد شهریاری و بسا
 شلیک گلوله بقیه متحصنین
 وزارت علوم را نیز روانه
 زندان جمشیدآباد نمودند.
 روز ۶ دی تهران در یک
 آتش و فنا شدنی از تنفس
 نسبت به خاکمیت در حال سوختن
 بود هزاران تن در حواله بسی
 بیمارستان هزارتخت خوابی
 تجمع نموده بودند، رژیم سعی
 بر آن داشت تا با زدیدن جسد
 شهیدان را خاتمه یافته
 و نمود کنند، اما بهمت
 کارکنان بیمارستان و عزم
 راسخ مردم جسد بدست مسرده
 رسید، آیت الله طالقانی
 بخاطر احترام همیشگی اش به
 دانشگاه به بیمارستان آمد،
 تهران کمتر روزی را با این همه
 همبستگی بچشم دیده بود، مردم
 آگاه به ما نعمت از محبت نمودند
 در عنصر شناخته شده ای چون
 درخش که سعی داشت از چنگ

گزارشی از فعالیت های پشت جبهه :

کارخانه تولید دارو - واحد کیوان

تجا وز وحشیا نه، مزدوران بعت عراق سه خاک کشور عزیزمان ایران که بخشی از توطئه های ابرقدرت های امپریالیستی - بخصوص آمریکا ای جنایتکار برای سرکوبی انقلاب و ملت بیپنا - ساخته ایران ریشخند برای برقراری سلطه، مجده خود و نوکسران آنها می باشد، میدان آزمایش بزرگی است برای مردم دلاور ایران که سر برانند بیرون آمدن از آن خون عزیزان، بیشماری را طلب میکنند، خونهایی که مظهر شرف و آزادی خلق ما و برتری از حما سه های بشریت ستم دیده بر علیه جباران خواران جنایتکار و مزدوران نشان بوده و سرانجام هر چون دریا می خروشان هم - دزدان و شیطانان بین المللی را در کام خود فرو خواهد برد و جهایی آزاد و بدورا زهرگونها ستم روا ستمار بیبا خواهد نمود.

واحد کیوان، در حقیقت کارخانه تولید مواد غذایی و معرفی کیوان، یکی از چندین کارخانه مجتمع تولید دارو می باشد که عراق در سه راه آذری (اول جاده ساوه) می باشد. مواد تولیدی آن: زلو (انواع آن) - شکلات - نانک می باشد. حدود ۲۵۰ کارگر دارد که بخش عمده آن مرد هستند و از اقلیت کمسی کارگر زن برخوردار است. در این رابطه بهتر است اول کسی از روجه کارگران قسمت نسبت به جنگ بنویسیم:

یکی از بچه های قسمت که سرباز بود و حدود چند ماهی بود که سربازی رفته بود. این کارگر هم مثل اکثریت بقیه کارگران مومن به انقلاب و حفظ استقلال و آزادی مملکت مان بوده و هست. موقعی که کارگران قسمت شنیدند دوران سربازی خود را در سر مرز میگذرانند، ندیدند که حتما یک طوری کاتک رده که مخصوصاً سر مرز برود. و دقیقاً هم درست حدس زده بودند چون وقتی برای مرخصی آمده بودند و قفا وجودش برتبا با از خشم و کینه نسبت به بعضی های مزدور آمریکا آکنده بود. یک روزی درست همان زمانی که حملات مرزی رژیم مزدور بعت عراق شدت یافته بود، یعنی حدود یک هفته یا کمی بیشتر قبل از شروع جنگ (اول مهر) یکی از کارگران برای بقیه بچه های قسمت خبر آورد که فلانی در جبهه است. سوسه مزدوران عراقی زخمی شده. کویا ترکش خمپاره به او اصابت کرده بود. وقتی خبر به کارگران رسید، جو قسمت متشنج شد. استند بر و ندانناش. همه غمگین شده بودند اما غمی همراهِ آینه بر علیه رژیم بعت مزدور و نوکرا آمریکا، یکی از کارگران میگفت: "دلیم بخراست اسلحه میداشتم و میتوانستم به مرز بروم و اسلحه را رویه بعضی های مزدور بشیرم و خدمتی بهشان بکنم و بگویم بروید به آن صدام نوکرا ربا بتان آمریکا بگوئید که ما از استقلال مملکت و آن تا آخرین قطره خون دفاع میکنیم". بعد از این ماجرا چند تا از کارگران مبارز قسمت، تبلیغ برگزاری کلاس آموزش اسلحه کردند که بین کارگران گرفت و به خورا رفتند. یکی از کارگران به شورا گفت: "این حملات مرزی توطئه آمریکا است و ما باید با این توطئه مقابله کنیم. اینها حتماً میخواهند حمله را به ما جا گذارند و دهندها را بر ما بسازند. مسلح شویم تا از انقلابمان دفاع کنیم." و در ادامه آن کارگران دیگر از این کارگرها راجعاً به ترتیب کردند و شورا میگفتند:

که کلاس آموزش اسلحه بگذارد و شورا هم قبول کرده بود. کارگران در این کلاس وقوس بودند که تا گه روز اول مهر جنگ شروع شد و به فرودگاه حمله کردند. موقعی که حمله شد، کارگران سرکار بودند و سردستگاه ها کار میکردند که تا گه آن صدای مهیبی سالن را لرزاند و همه هیجان زده و نگران به بیرون کارخانه دویدند. البته چند تا از کارگران هواپیمای مزدور بعضی ها را دیده بودند. و بعد هم دود و خاک بعد از بمباران به همه این را فهماندند که هواپیمای عراقی بوده که فرودگاه را بمباران کرده است. بعد از بمباران همه کارگران قسمت میخواهند به فرودگاه بروند و آنقدر هیجان زده بودند و دندوفش به آمریکا و بعضی ها میدادند و مصمم بر سر رفتن که آدم فکر میکردند تا بعضی های مزدور در فرودگاه هستند و اینها جسد برای مقابله با آنها میخواهند بروند. وقتی جو مقادری پاشین آمد و از سروصداها و فحش دادن به عراقیهای مزدور آمریکا کم شد، چند نفر از کارگران قسمت سریع به فرودگاه رفتند که خبر رسید قیق بیبا و روند. در آن روز بعد از ظهر و روزهای بعد جو بیلا بود یعنی ضد آمریکا و بعضی ها به مخالف آن به اصطلاح "انقلابیونی" (پیکار) که آنها را میگرداند جنگ ارتجاعی است و سعی در تحریف واقعیات دارند و مرتباً میگویند "مردم از جنگ بیزارند" و "این جنگ هیچ ربطی به استقلال ندارد" و دفاع از میهن را "بورژوازی" میداند. کارگران عکس العمل صحیح و شایسته طبقه و حمتکش خود را نشان دادند و میدهند و دقیقاً جنگ را در رابطه با استقلال و ادامه انقلاب میبینند. یکی از کارگران مبارز میگفت "چون ما با آمریکا که دشمن اصلی ما است مقابله کردیم و حاضریه سازش نسیم تنها با او بلکه با ابرقدرت دیگری یعنی شوروی و نوکران آن نشدیم نقشه ریختند و این جنگ را توسط صدام مزدور آمریکا برآوردند تا با ما مقابله میکرد" ما باید بجنگیم و چون این جنگ دفاع از انقلاب است ابرقدرتها سعی دارند تا با ما مقابله کنند" و این نهنها حرف این کارگران است بلکه این اعتقاد است که می کارگران است. لا اقل در این قسمت حتی یک نفر هم نیست که مخالف جنگیدن بر علیه آمریکا باشد. و املاً این ساله توری دهن بعضی از بچه ها افتاده بود که "بقول آقا (امام خمینی) این جنگ خیر و برکت هم دارد و خیر و برکت آن مبارزه ما با آمریکا که برای حفظ استقلال است، آبدیده شدن خود ما و اینکه هر چه بیشتر با ابرقدرتها بجنگیم انقلابی تر میشویم". یکی دیگر میگفت "چون این جنگ بر علیه آمریکا و نوکرش صدام است، جنگ خوبی است". البته نقل قولهای بیشتر از این هم هست که اگر بخواهیم بنویسیم تا بدیک در سرچ را شامل شود. البته نقل قولهای بسیار با اید قابل توجه فدائیان اکثریت (که بخشی از آنها در این قسمت هستند) قرار گیرند که "فرمودند": "کمونیستها هرگز جنگ میان دولتهای مختلف را بسوا انقلاب، بسود خنقا و بسود پرولتاریای انقلابی نمیدانند" و دیگر اینکه "جنگ صلح جهانی را بهم میریزد" (ضمیمه کار شماره ۷۸)

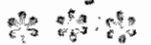
شرکت تعاونی رانندگان ترابری ایران فعالانه برای پیروزی در جنگ میهنی می کوشد!

از شروع جنگ تحمیلی مردوران بعثی عراق علیه انقلاب و میهن ما که همه مردم به دفاع برخاستند شرکت تعاونی رانندگان ترابری تهران ضمن اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها هاشمی که انتشار داده است خود را در این مورد اعلام داشت و چهار طریق تماس با اعضاء و چهار طریق روزنامه‌ها و وسیمای ایران رانندگان شرکت را که بالغ بر ۵۵ نفر میباشند و هم چنین کارکنان و کارگران خود را به بسیجی همه جا نیندازد صورت کرد. بسیاری از رانندگان زحمتکش و استقلال طلب تراک و ترابری خود را که تنها مرمم‌های و گذران زندگیشان بود در خدمت دفاع از میهن و انقلاب خویشار خود گذاشتند. از همان ابتدای جنگ رانندگان خود را در رژه‌های وسیع و همه جا شبهای در شهر بودند که با تراک‌های خود در جلوی سفارت عراق و خانه‌های سی هجوم با جوانان سرافرازه مزدوران بعثی را محکوم کنند که از اجرای آن جلوگیری شود. چند روز بعد از آن بسیج مستضعفان خواستار بیعت نشن را ننده، با به یک شبکه با افسانه بعد از اعلام آن از راه خود در چهل نفر راننده‌ها ترابری‌ها نشان خود را به محل بسیج رسانند و برای هر نوع کمک اعلام آمادگی کردند. همچنین روزیکه هوا بیما های عراقی کارخانجات جاده کرج را به راکت و گلوله بمباران می‌کنند ترابری تراک‌ها به شما بندگان از طرف همه رانندگان زنجیر و ربا چراهای رو شن و شمار هاشمی که بیرون آنها نصب شده بودند مقابل محل صدا و سیما ای ایران به حرکت در آمدند که با استقبال مردم در بین راه روبرو شدند. اما مسئولان صدا و

سیما ای ایران با آنکه از جریان امر فیلم برداشتند و با چندتن از رانندگان معاخصه کردند لکن هیچوقت آنرا پوشش نکردند که در وسیله این قشر زحمتکش تا شيرگذشت اما آنان خود را به میدان عمل گذاشتند و در این مناطق جنگی شدند. از شمار هاشمی که بر تراک‌های خود نصب کرده بودند هر کس می توانست عزم جزم آنان را در راه مبارزه و دفاعی بر حق مشاهده کند. برخی از شمار هاشمی چنین بود: مرگ بر مسز دوران بعثی عراق، آمریکا نقشه می کشد، شوری مسلح می‌شود، صدام تها و زمین کند. مردم به دفاع از انقلاب و میهن بجا خیزید. زنده باد دلاوری مردم مناطق جنگی، شرکت تعاونی رانندگان ترابری تهران در خدمت ارتش بیعت می‌کنی، مسز مردم متحد، مردم مسلح در راه انقلاب سازش، نمرد با آمریکا و... رانندگان این شرکت بخاطر اینکه در موقعیت کنونی حمل و نقل و تخلیه بنساز در رساندن مهمات به جبهه و مساجاحتاج عمومی به مردم از مساجل و موارد خاص و مهم است در این زمینه‌ها فعالیت خود را گسترش دادند و چندین تن از آنها تا قلب جبهه‌های جنگ پیش کارخانه ترابری هوا را در خربین اهواز، بالاسنگاه آبا... دان و... به کمک رسانند مشغول شدند و بسیاری دیگر برای تخلیه بنساز و جنوب و حمل گرسنگان زنده و سایر کارهای ضروری بدان نواحی راه می شدند و تاکنون یک دستگاه

سازش بزرگ...
 صدا مهربا لیستی انقلاب مردم ایران است. امیربا...
 لیسم آمریکا در مقابل این عقب نشینی بزرگ مطمئناً بیشتر از گذشته به توطئه‌گری و اعمال فشار دست خواهد زد. اخبار و گزارشات حاکی از آنند که کشورهای مرتجع منطقه به تحریک امپریالیسم آمریکا می‌خواهند قضیه ۳ جزیره و ما...
 اکتیت بر آن را علم کنند. این اخبار هم چنین میهنی بر آنست که آمریکا خود را برای اشغال این جزایر آماده می‌کند. مطمئناً توطئه‌های دیگر در چینه امیربا... لیسم آمریکا است و مطمئناً اینگونه سازش و جبهه‌زمین سازیدنها، آمریکا را گستاخ ترخواهد ساخت! برای این گستاخی‌ها باید آماده باشیم!

دعا زمین اشغالگری...
 مزدوری چون حزب توده و فدا...
 حاشی بی جیره و مواجب شوری بعثی چریک‌های اکثریت کف خواهد زد. این نیروها حق هم دارند برای این گفتار بیخفا نه کف بز: همچون شایند بزودی اینان هم به این قانون "و" شرع" مقدس احتیاج پیدا کنند. تا بدتر آینده "سوسیالیسم" روسی برای نجات "کمونیسم" ایرانی از شرع حزب توده و فدایی اکثریت - یا ساده‌تر چریک توده‌ای بخواد از این "حق قانونی" و مشروع "فردا استفاده کند و به مداخله (الیه) از نوع "قانونی" و "مشروع" (" در ایران بپردازد. آن موقع همه "سوسیالیستها" و "کمونیست" ها "ی نوع فیدل کاسترو تبلیغ خواهند کرد که بغم مداربند روپها برای نجات "انقلاب و کمونیسم" در ایران مداخله کرده‌اند و این حق "مشروع" و قانونی آنرا است!!



ماجرای ...
 بقیه از صفحه ۳۳

میگردد، برای اعلام راهپیمایی روز پنجشنبه وارد میدان کنند.

در همین مدت ایستادی وابسته به حزب در چند شهر کوشش میکنند تا مردم را به تظاهراتها و راهپیماییهای پراکنده اعتراضی علیه جریانی که بیه قصدن امام میکوشد" یاران نزدیک امام چونان بهشتیها، رفسنجانیها، خامنه‌ایها و امثالهم را کنترلیزند، وادار سازند، چماقداران معلوم الحالی بزور بخشی از بازارهای اصفهان و قم و مشهد و چند جای دیگر را می‌بندند، که در همه جا با اعتراض بیشتر بازاریان روبرو میشود. مثلاً در بازار شهر ری کار به زد و خورد میکشند. بازاریها علیه چماقداران و حزبشان راهپیمایی میکنند. رادیو و تلویزیون با سانسور اخبار واقعی کتاکشهای درون شهرستانها و ده‌برابر آنها چند ده‌برابر نشان دادن تظاهراتها پراکنده‌ای که توسط عده‌ای از ملایان روحانیون و افراد معلوم الحال وابسته به حزب در چند شهر برگزار شد، کوشید تا حوتحریک گسترده‌ای در میان مردم نرساند و مخالفان را مرغوب سازد، جداها اعلامیه و بیانیید بنام عده‌ای از روحانیون و انجمن‌های اسلامی، که تعداد اعضایشان غالباً از انگشتهای دست و حداکثر چندده نفر است و از شمیکند و عده‌ای گروه‌های کاغذی انتشار پیمایند

میکند. البته مدتها اعلامیه و بیانیید در اعتراض به این جریانات و در دفاع از جبهه مقابل صادر میشود، که انتشار پیمایند نمیکند. تحریکات وسیعی از منبرها صورت میگرفتند، ولیکن اخبار اعتراضات و کتاکشهایی که در این مساجد روی میدادند، و حتی عده‌ای از ملایان توسط مردم کتک میخوردند، انتشار پیمایند نمیکنند. با انتشار اعلامیه "آیت الله منتظری برای راهپیمایی روز پنجشنبه، روحانیون و عناصر غیر روحانی ولی کاسه داغ تراش طرفدار حزب جمهوری در همه جا میکوشند و جوسو را برای راهپیمایی آماده کنند و مقاد قطعنامه‌های راکه قرار است روز پنجشنبه خوانده شود در ذهن مردم آماده سازند. صبح سه‌شنبه ۲۵ آذر رضوانی نامی از طلاب، حوزة علمیه قم در تظاهرات ساختگی قم بر سکوی خطا به رفته قطعنامه‌ای را بدست گرفته و در آن این ادعای تحریک آمیز را میخواند که " نقشه ترور و چهار نفر از روحانیون عالی‌قدر مملکت بوسیله بقایای عوامل کودتا در ارتش از دفترها - هنگی رئیس جمهور آنها گرفته است "؛ یعنی هواداران بنی صدر میخواهند سران و سرشناسان روحانیت اطراف خمینی را بکشند و کودتا کنند. در همین قطعنامه علیه " روحانیون نمایانی که با لیبیرالها و منافقان بر علیه روحانیت مشروب با زوان اسامی روزی در تهران، مشهد و اصفهان خادشه آفرینی میکنند مانند علامسی تهرانیها " خط و نشان کشیده میشود و درخواست بسته شدن " لانه فساد " بنی‌مدریختی " دفتر همکاریه‌ای مردم بسا رئیس جمهوری" طرح میگردد. همزمان با قطعنامه، قم، در تهران ۶۷ نفر از نمایندگان وابسته به حزب کذائی در مجلس به سردمداری توطئه‌گر معروف

و همکار در باره در کودتای ۲۸ مرداد یعنی سید حسن آیتیت، موضوع بی‌اهمیتی را در مقابل بنی‌صدر در روزنامه " انقلاب اسلامی " کارنامه رئیس جمهور " بهانه کرده طبع نامه‌ای که توسط رئیس مجلس خوانده میشود خواستار میشود که " شورای عالی قضائی و شورای عالی دفاع " با پیدانتشار دهندگان این مقالات یعنی شخص بنی‌صدر را " تحت پیگرد قانونی " قرار دهند " مجازات " کنند. از اینجا که ملا روشین میشود که بر نامه حزب کذائی و " روحانیت موثر " و " یاران نزدیک امام چونان بهشتیها، رفسنجانیها، خامنه‌ایها و ... " برای روز پنجشنبه ۲۷ آذر چیزی جز بر انداختن بنی‌صدر، دست کم از مقام فرماندهی کل قوا و خانه نشین ساختن هواداران، روحانی و غیر روحانی وی، و بعد هم پیشنها " فرمانده کل قوای خودشان و بدینسان پیاده کردن اولین چشمه از چشمه‌های قطعنامه‌هایی بر اساس مفاسد قطعنامه " تموناً " حسن آیتیت و همداستانش در مجلس و گتجانندن بندی برای تغییر فرماندهی کل قوا جنبه " علنی و رسمی پیدا میکند. طبق گفته " شخص بهشتی " قرار این بود که در روز پنجشنبه بجای یک قطعنامه واحد سراسری " قطعنامه‌های آزادی را مردم در هر گوشه‌ای " صادر کنند، تا این راهپیمایی " بتمام معنی خودش در هر گوشه‌ای به‌همان صورتی که هست تحلی کنند " - یعنی با مصلاح خود جوش، انگار که از درون خود مردم بطور خود بخود بیرون دمیده و از مرکزی هدایت و کنترل نشده، جلوه کنند!

صبح روز چهارشنبه ۲۶ آذر، روزنامه جمهوری اسلامی با میدانه‌ای از هر لحاظ از برای راهپیمایی کذائی فریاد اینجمنیه آماده شده، بسا خط درشت در بالای صفحه اول مینویسد که بدنبال توطئه‌های

اخیر علیه انقلاب و روحانیت مشمول - یعنی خودشان - " موع اعتراض سراسر ایران را فرار گرفتت ". لیکن بعد از ظهر همان روز با خودشان و با احتمالاً بخشی از روحانیون و خمینیست از چگونگی بالا گرفتن دعوا، و این واقعیت که راهپیمایی روز پنجشنبه میتوانند همه چیز را بهم بریزند و حتی بعکس خود تبدیل شود، بیمناک شدند و با یک دستور لغو تمام با " آن موج اعتراضی سراسری " را خوابا - شدند. هادی خسرو شاهی، یکی از اعضای هیئت حل اختلافات میان روحانیون حزبی و ضد حزبی و دولت رجائی و بنی‌صدر، درباره علت این تصمیم‌گیری صریحاً گفت که " آن خطری که از راهپیمایی بود، تصادم گروهی و جماعتها بود که این قبیل نگرانیها با لغو راهپیمایی از بین رفت "، و هم اینک " احتمال داشت یک پیشامد هائی در این زمان حساس بشود و دشمن ... بلکه بتواند آب را گل آلود کند و ما می‌بگیرد ". یعنی راهپیمایی بعکس خود تبدیل شود و جناحهای طرفدار بنی‌صدر و شاخه‌های حریکان سوم دیگر از این اوضاع بسود خود بهره‌برداری کنند و دود تمام تحریکات چند هفته‌ای اخیر بیه چشم خود بر گزار کنندگان این راهپیمایی برود.

مقصود چیست؟

روزنامه جمهوری اسلامی در یکی از شماره‌های خویش در این اواخر گفته بود که عده‌ای میکوشند که همان بر نامه‌ای را که در چین پس از مرگ ما تئو رهبر این کشور پیاده شد، در ایران پس از درگذشت خمینی پیاده کنند؛ و از اینرو ما یعنی حزب و هواداران با دید پیش از اینکه چنین پیشامدی شود دستکار شویم. روزنامه یاد شده با طرح این داستان بر نامه واقعی حزب خود را فاش ساخت. بقیه در صفحه ۹

ماجرای

بقیه از صفحه ۸

در چین پس از رفتن ما شو چنجا -
حیاتی کودتا کردند و قدرت را
تاما با دودست خود گرفتند و
حزب کذابی از بیم آنکه مسادا
پس از رفتن خمینی در ایران
نیز چنجا حیاتی کودتا کنند و
قدرت را در اختیار خود بگیرند ،
میخواهند از ماجرای چین عبرت
گرفته پیش دستی کنند و خودش
در زمان حیات خمینی کودتا
کنند و قدرت را به آنها رخسود
در آورد . خلاصه آنکه حزب کذابی
بنا به اعتراف خودش قعد کودتا
دارد!

اشفاقا وجه تشابهی که
روزنامه جمهوری اسلامی میان
جریانات چین و ایران قائل
شده است درباره ای نکات خالی
از مضمون نیست . در آنجا در
زمان حیات ما شو چنجا حیاتی
بودند که برای رفتن رهبر این
کشور و زمامداری میگردند تا
کودتا کنند (یعنی همین
دارودسته هوا کوفنگ - تن سیا -
شوین) . این چنجا عموما
طرفدار زد و بند با بر ق قدرت
آمریکا بودند . اما محافل
دیگری هم وجود داشتند که در
زمان حیات ما شو سی داشتند
پیش دستی کرده و کودتای خود
را عملی سازند ، در این میان
رهبر این کشور را هم سربسته نیست
کنند (اینها همان دارودسته
لین پیا شو بودند) ، این
محافل دنبال زد و بند با بر
قدرت شوروی بودند! و از قضا
این محافل از کسانی تشکیل
میشدند که پیش از همه خود را در

"خط" رهبر این کشور ، "خز"
دیگترین باران "وی و موسن
دو آتش مفرقی میکردند ، حالا
این قسمت داستان هم به ما جاری
ایران شبیه در آمده است ، و ما
مشاهده میکنیم که در اینجا هم
محاذلی که پیش از همه خود را
در "خط" رهبر حکومت خود ،
"نزدیکترین باران" وی و
مسلمان دو آتش مفرقی میکنند ،
و اتفاقا تماما بیل به زد و بند با
این قدرت شوروی هم دارند ،
بهمان ترتیب میخواهند در
زمان حیات این رهبر کودتای
خود را عملی سازند . وقاعدتاً
قضیه سربسته نیست کردن هم در این
میان با پدید بر نامه باشد!
چینی ها معمولا دعوا ها و برنا -
مه ها و مفا صد خویش را در پرده
تشبیهات تاریخی و در قالب
پادشاهان و صدراعظم ها و رجسالی
کهن تاریخ کشور خودشان طرح
میکردند ، و اکنون حزب جمهور
اسلامی هم دعوا ها و برنا مه ها
و مفا صد خویش را در پرده
تشبیهات چینی و در قالب
شخصیت ها و رجال انقلاب و
دولت چین طرح میکند ، و البته
بحد کافی خواناست!
اما منظور حزب کذابی
از آن عده ای که تدارک برنا -
مهای نظیر کودتای چین را پس
از درگذشت خمینی می بینند
کاملا روشن است . آنها چنا -
حیاتی هستند که امروز به گرد
پیشی در حلقه زده اند و بخشی
از قدرت حیاتی را در دست
دارند . بنا بر این برای سران
حزب تا مبرده ، که -
تشکیل حکومت مطلقه خویش
را در رمی پروراندند ، برنا -
مه کشونی گنا رزه این چنا -
حیای مزاحم و در وهله نخست
پا ثین کشیدن بنی صدر از مقابله
مهای کنونی می باشد . پیشتر
چمن آیت در بنوا رکذابی خویش
ظا جرا برای اجرای گام به گام
این برنا مه یک فرجه چهار
ساله تا پایان دوره ریاست
جمهوری بنی صدر زمان قائل
شده بود ، ولی اکنون حزب

مشاهده میکند ، که با وجود
داشتن اکثریت در مجلس و
تشکیل دولت مطلوب خود وهم -
چنین با وجود حمایت ها شی که
اما مازیا راه ای سیاست های
ایشان میکند ، توده های فرا -
بنده ای از مردم در شهر های
مختلف به مخالفت و مبارزه با
حرکت ارتجاعی وانحما رطلبان
نه آنها برخاسته و بنی صدر
و جناح های طرفدار وی بیش از
پیش برای حرکت عمومی
سوار میشوند . آنها از جمع شدن
توده های عظیمی از مردم تهران
برای گوش دادن به سخنان
بنی صدر در روز عا شورا و بعد هم
حسینیه ارشادیه وحشتناکانه دنده
در حالیکه در همان زمان تنها
تعداد بسیار کمی ، آنها بقصد
صرف غذای مسجد ، پای منبر
بهشتی در باران نشستند وهم -
چنین برای گوش دادن به
سخنان با هنر در حسینیه ارشاد
تنها ۱۶ نفر حضور یافتند .
ماجرای مشهد و بعد از آن اصفهان
مثل زنگ خطری در گوش آقایان
صداکرد و خصوصا از موضع گیری های
لاهوته و چرخ زدن های شیخ
علی در شهر های تهران و اصفهان
، که بمنای علنی شدن شکاف
درون روحانیون اطراف
خمینی در میان توده ها بود ،
بشدت خشمگین شدند . پس حزب
کذابی و طرفدارانش باید در
نیل بمقا صد و اجرای برنا مه
خویش عجله کنند .
در اینجا کارزار بر جنجال
دستجات وابسته به حزب در همه
شهرها بالا گرفت . این کارزار
از چند هفته پیشتر بود و لسی در
این دوسه هفته اخیر بطریقی که
ذکر شد شدت خاصی یافت .
برای سران حزب جمهوری
و طرفداران آنان املا قضیه
جنگی که هم اکنون با تجاوز
کاران عراق و پیشه بانان سین
المللی آن جریان دارد ،
اهمیتی ندارد ؛ بلکه میتوان
گفت که شرایطی که این جنگ
پیش آورده بیش از پیش به زیان
آنها تمام شده و با یکا آنها را

ماجرای...

بها بر قدرتها از این هدف کلی برمیخیزد که آنها برای بسط انحصار کشیدن قدرت در ایران و نقاب بلیه با خرافات فدا طلبی به جلب پشتیبانی قدرتها نیاز دارند. ارتجاع جدیدناچار است راه ارتجاع حاکم گذشته را طی کند!

تمام کارزار بر جنجال هتته های گذشته نشان داد که آنچه برای این گروه فرصت طلب ارتجاعی با مصالح اسلام پناه و سردستانان آنها مطرح نیست آزادی و استقلال این کشور است. آنها برای تسلط مال و منال و جاه و مقام غمیسی خود بر برقراری حکومت مطلقه خویش حاضرند با زار چه ای را برای ره بودن دستمالی به آتش کشند! و هر چه در جا معه مشرف در وانگشت نما تر میشوند و وحشی تر میگرددند. برای همین در این چند هفته برای ایجاد محیط رعب و وحشت در کشور و آساده کردن شرایط برای برقراری حاکمیت مطلق خویش به ایجاد هرج و مرج در شهرهای گوناگون و سپس سرکوب جریانهای انقلابی و مخالفت به بهانه آن برخاستند. در شهرهای شمال خصوصا آمل و لاهیجان، دسته های چاقه داری برای ایجاد درگیری در خیابانها راه افتادند و سپس به آنها نه درگیری دستجات مسلح کمیتته های وابسته به حزب بسط بگیر و ببند و کشت و کشتار و ایجاد نوعی حکومت نظامی غیررسمی برخاستند. در همین زمستان

حسن آنتی، توطئه گرمسروف و دبیر نظامی حزب کدائی برای نظارت بر اوضاع به شمال سفر کرده بود. در شیراز و اهلبهان و خصوصا مشهد قفسیه بهمین ترتیب بود. در نورآباد دمسنی کار به مقاومت مسلحانه مردم در برابر چمآندان مسلح کمیتته های حزب کشیدند. در اهلبهان مردم به هیجان آمده در چند نوبت با ایادی مسلح حزب کدائی در افتادند، و غیره و غیره.

در همین دوره تلاش حزب جمهوری و جریگه های مختلف آن برای مسلح کردن خودشان بالا میگردد. بنابه اطلاع آنها سفارش های خصوصی خرید سلاح و همچنین وسایل پلیس سیاسی و جاسوسی به برخی کشورهای خارجی داده و تا حال محموله های زیادی را تجویب گرفته و بطور خصوصی آنها را رو بعضا مورد استفاده قرار میدهند. مادر گذشته در باره خرید و انبار کردن اسلحه و تجهیزات توسط دارودسته های وابسته شاه و بهشتیارخان هشادادیم، در همین زمینه در باره اغزاب وابسته به شوری هم هشدار دادیم و همچنین برخی جریانها دیگر. حالا این هشدار زودتر این زده از توطئه گران نوباره نیز بشنوید. گوئی همه گروه - سندیهای رنگارنگ و در عین حال رقیب مدعی طرفداری از خلق مشغولند، و فقط خود خلق کلاهش پس ممرکه مانده از همه کمتر متشکل و تقریباً بی دفاع مانده است!

روزنامه صبح آزادگان که از فرط خودنمایی و تکبر آن یک مقدار "سیاستمداری" ارگان حزب را هم ندارد، صبح پنجشنبه (۲۱ آذر) واقعیت از دماغش نپرید و برای ترساندن مخالفان گفت: "این یک چشمه را میگوئیم تا بقیه حساب خود را بکنند. مرا کز اطلاعاتی اسلامی بدقت همه چیز را تحسنت نظر دارد... جوانهای حامی روحانیت هر کدام دارنده المعاد

رفتی از اطلاعات سیاسی نظامی هستند. بسیاری دیگر این حضرات برای اخود را "مرا - کز اطلاعاتی" خصوصی بینسی ساواک خصوصی هستند و همین "داشره المعارفی از اطلاعات سیاسی نظامی" خصوصی (قا - عدنا مجموعه ای از انواع سلاحها و وسائل و تخمهای که آموخته و کارشناسانی که پیدا کرده اند) هم دارا میباشند. و تازه اینها فقط "یک چشمه" از بسیاری چشمه ها، جزئی از کل تدارکاتی است که ایشان برای اینکه "بقیه حساب خود را بکنند" دیده اند! آنها همچنین برای جلب برخی فرماندهان ارتش بسوی خود (با مبالغه برای زدن آنها از جنگ بنی صدر) به اقداماتی در پشت پرده متوسل شده اند. هر چند بعضی از این فرماندهان هم از ایشان و هم از بنی صدر با مصالح خلیسی ختم ترند.

تمام این شواهد نشان میدهد که سردمداران حزب کدائی و هم دستان تبهکار آنها به تنها چیزی که می اندیشند بلعیدن تمام می قدرت سیاسی و استقرار حکومت مطلقانه استبدادی خودشان است. که بقول شادروان طالقانی باید در پرده دین تحمیل شود آنها اکنون بدلیللی که گفته شد، و همچنین بنا به اعتراف خودشان، عجله دارند که تا انجام زنده است، کار دیگران بالا نگرفته، برنامهم خود را عملی سازند؛ و البته بنا به اظهار روایت نسبتاً قابل وثوقی کلک خمینی راهم در این بین و یا بعد از آن با یک بیژن سه حساب شده کودتا - فکودتا میکنند و سلطنت را در لباس روحانیت (پس از مدتی هم شاید بی لباس) احیا کنند. البته این سودای خامی است که اینها در سر می پروراندند و عوامل متعددی را، از جمله اما دگی توده های مردم برای سرکوب هر توطئه، خائشان و

نجات الهی...

بقیه از صفحه ۱۳

مقطع نیروهای دانشجوئی با برپائی شورائی در جهت هم آهنگی نیروهای مترقی و انقلابی برای بازگشائی می توانند به گردش را بازگشائی دانستگاهها به بسط دموکراسی و تعمیق مبارزات فدا مپریا - لیستی کمکدهایانی بنام بند و جادان با داخل طره دی نیزر کترین تجلیل از ه دی بسر اشجا مر سایدن نهائی اهداف شهدای این روز است. دانستگاهها این کانون آگاهی بازگشا شیم.

حقیقت

ازگان

اتحادیه کمونیستهای ایران بخوانید

کمکهای مالی خود را از هر طریق ممکن برای ما ارسال نمائید

اتحادیه کمونیستهای ایران

شرایط ما عدم مقاومت از با - در نظر نگرفته اند؛ و اصولاً نه امکانات و توان خود پریشان میدهند.

گزارشی از

تاریکی "فدائیان" اکثریت است. چرا که بدستی کارگران اثاره کرده بودند آن چیزی که در بین میگذرد جنگ خوب است بیجا بنده محترمی و مصون جنگ است. اگر جنگ بین دو کشور آمریکا - ایلیتی و سرما بخنداری باشد مثل جنگ جهانی اول که در پیش غارت و بیجا بود. هر دو طرف جنگ بدی است. اما جنگی که بین ما و آمریکا است در یکا از ما بدی خدا مه زود و صورت گرفته اند قیقا دارای مضمون و محتوای ۱۰۰ میلی رگشی برای خلق ایران از یوغ امپریال - با ایسم آمریکا است. پس اگر با است. چنانچه برای این نمی شود گفت جنگ بطور کلی بد است. و هر گنگ که چشمه می رود جز تبلیغ روحیه - انفعال و ریبی عدلی برای کارگران و دیگر رزحمتگان نیست. در انا فتنه و فتنه با ریدیکوشیم البته کارگران قسمت فقط هستند و شعارها درین حرف زدن بیرون آید آمریکا و بعضی های مزدور نکرند بلکه بدست به یک سری اقدامات عملی زدند:

۱ - بعد از اول مهر و شروع جنگ یکی از کارگران مبارزین ضربت دومه که در وقت پارلی شامل یک قسمت از مقاله اول حقیقت شماره ۱۰۲ در جنگ ایران و عراق بود و دومین مقاله شامل یک قسمت از اعلامیه "بلند قهرمان ایران پیشک پا سخ دندان - شکنی به حق و از آراء و پیش خواهد داد" بودند تا شیر به سار چالشی بی روی کارگران داشت و عکس العمل آنها کاملاً نشان داد که با محتوای آن کاملاً موافق هستند و بی ترس و بی خوف دل خزششان بود. ۲ - توشین دو اعلامیه توسط هوتا از کارگران زن میا روکها خلاصیه اولی ضمن محکوم کردن جنگ و زات بحث عسوق و بهیچ نقض پشت جرمه بشامل رهنمودهای عدلی در روزنامه هفتا بورد. مثلاً در آن اعلامیه فراوان بر توشین شورا و اینکه وجودشان لازم و ضروری است. محادثه توزیع ارزاق عمومی توسط شورا. جلوگیری از اجاره و اجازات محترمین توسط شورا. ... اعلامیه دیگری با آرزوگان داشته میوزیه شوروی مسلح میکند و چینی تا شید میکند. جدا مفاشن جنگ وزم میکند شروع شده و تا مسلسل رهنمودهای عملی در مورد دکارخانهها، کلاس آموزش اسلحه و لزوم مسلح بودن کارگران، کلاس کتکهای اولیبه، کلاس آموزش ایمنی، ساختن بناها و ... برود.

عکس العمل کارگران قسمت بسیار مثبت بود و در سال رهنمودها اگر چه بی روی شورا فکارگانها شخصد برای عملی کردن آنها. در این مورد با یکدیگر کلاس آموزش اسلحه در سطح هر واحد و جداگانه همگرا و شده در اج کل تولیدار و تورا راست بر گزاشد. در این مورد بگوشیم که فدائیان اکثریت بهیچای توشین مقالات و تها از مقاله های حزب جمهوری اسلامی و نقل قرآنی آقایی نامندای رهنمودهای تفرقه افکن اومسی بد نرغند و بجای تبلیغ مسلح شدن خود مردم و تکیه بی روی توشین بر راه های مرتباً بقا لندای حزب جمهوری در باره تبلیغ بهیچا به با صداران به نامهای سنگین میگذرند. ۳ - پس از خواستار شدن افکار و کلاس در مدت سال ۱۰۲ از طرف دولت عکس العمل کارگران بسیار مثبت بود و هیچکس را نمی توانست پیدا کنی که به بدستی خدمت می با شورا راحت و با حتی حالت انفعال در مورد

جبهه رفتن داشته باشد. در حقیقت این افراد حالت بی بسی را داشتند که فا من آن را کشید و با شنیدن بیرون بد جبهه تا بی روی سر دشمن مزدور منفجر شوند. در این رابطه کارگران دیگر نیز زیاد در بسیج رفتند و با طلب رفتن به جبهه شدند و همچنین مثلاً منقضی خدمت سالهای ۵۵ و ۵۶ که خود را بعنوان قدا و طلب معرفی کردند. ۴ - در رابطه با ناگنی رزمی کارگران برای جبهه از طرف کارگران بیضیها شد که کارخانگرومی را انتخاب کرده و با ناگنی رزمی شده و با دیوید شید برای جبهه. و بدین ترتیب یک گروه ۲۲ نفره از مردم جدا انتخاب شدند و ناگنی رزمی پیدا کردند. ۵ - کارخانته ۲ آمبولانس به جبهه جنگ داد تا دورا بنده دا و طلب. چندی پیش دورا بنده دا و طلب برگشتند و از قسمت ۲ کارگران مثل آنها را بنده گن هم نیدار زمین دا و طلبان زیاد انتخاب شدند که به قول خودشان "شانس آوردندا انتخاب شدند که به جبهه جنگ حق بر باطل بروند". ۶ - اجتماع دادن یک روز حقوق کارگران کل به جمع بصورت دا و طلبانه. ۷ - در این حین برادر یکی از کارگران که گروهبان دوم در ارتش بوده درجه پرافتخار رتبهات باطل آمد. کارگران قسمت با شنیدن این خبر سخت متاثر شدند. خبر صحیح زود رسید. براساسین را غمی همراه با کینه ای بزرگ بر علیه صدام مزدور آمریکا گرفت. چو قسمت با شنیدن خبر متشنج شد و تمام کارگران خواستار رفتن به بهشت زهرا برای تشییع جنازه این شهید شدند. شهیدی که خودش ما ننده تمام شهیدای دیگر مظهر شرف و آزادی است. جدهای از کارگران نزدیک به آن کارگر که برادرش شهید شده بود هم با بی بیج زود با مرخصی و با بدون مرخصی رفته بودند خانه وی. چو طوری بود که قسمت روبرو به تحمل شدن بود. در این بین سرپرست قسمت کلا دمی است طرفدار بیخپیاروکار فرما و کارهای فکارگری بهیچاری انجام داده است. ابتدا با رفتن کارگران منالفت کرد اما آتشدن جز با نبود که در زیر فشار کارگران مبارزین و رزحمتگان جا زده شد چند نفر از قسمت بیرون رفتند (البته از قسمت های دیگر هم بیرون رفتند که همه با سرویس کارخانه رفتند) و بدین ترتیب یکی از کارگران زن قدیمی مبارز همراه چند تنی دیگر به بهشت زهرا رفتند. آنجا در جلوی درب در خانه جنازه هستای شهیدای بخون خفته خلق کین شده اما ده برای دفن بود. شهید بسیار بیرون خانه های داغیده ما سر بلند از شهیدان در راه انقلاب بسیار. هر شهیدی را که برای دفن میبردند. خانه داده او و جدهای دیگر بر دنیا اش راه افتاده و میشود گفت بسوعی تظاهرات کوچکی بود اما با محترمی عینی سیاسی بر علیه آمریکا و صدام مزدور. تمام شد اما از خانه های زحمتکش بودند و مومن به حفظ و اقامه انقلاب. این را عیشدکا ملا از سخنان آنها و شاعرانی که میدادند فرمود.

مادری بود که میگفت "من توی این جنگ بر علیه کفار، صدام و کارشرد و پسر م شهید شدند. من خوشحال هستم که به درگاه خداروشید در آمدم چرا که بچه هایم را برای انقلاب دادم. برای حق. برای پیروزی حق بر باطل، آره من افتخار میکنم". همین کارگری که برادرش شهید شده بود و پیرا در بزرگتر او بود، از روحیه محکم و استواری برخوردار بود و به خود میباید که برادرش شهید شده و مرتب به آن تعداد از زنان، که تریه میکردند میگفت "گریه نکنید من افتخار میکنم که برادرم شهید شده. اگر گریه کنید دشمنان انقلاب و اسلام خوشحال میشوند". ۸ - در این میان یک عده از کارگران مبارز برای نشان دادن نقش ایستاد قدرت شوروی در جنگ در مقابل حرکت فدائیان اکثریت که مرتباً سعی در خازدن شوروی امپریالیست بعنوان یک کشور با محتسلاج

گزارشی از...

بقیه از صفحه ۱۱

"دوست" دارند و مرتب تبلیغ میکنند "تنها راه حل مسطقی و اصولی برای حل انقلاب کمک گرفتن از کشرهای با صلاح انقلابی و سوسیالیستی مثل شوروی و امثالهم است" (این مطالب را فدا... ثیان اکثریت در اعلامیه "کا رگران پیشرو" مطرح کرده بودند) چند تراکت تهیه کردند و در ضمن آن چهار تراکت که هواداران اتحادیه کمونیستها که عکس هم در دوچهار رشترا را بر یکا نقشه میریزد... به یارانش در جبهه پدید آوردند لاشخوران امیریا لبست را تنها مردم متحد و مسلح میتوانند بیرون برانند تا پاک کردن مناطق اشغالی... را بر روی کاغذ بزرگ نقاشی کرده و بر تابلو اطلاعات زدند که بسیار جلب توجه کرد و در مقابل حرکت یک فالانز طرفدار حزب جمهوری که تراکتها را کهنه بود عکس العمل شدید نشان دادند طوری که مجبور شد تراکتها را به شورا بدهد و شورا دوباره بر روی تابلو اطلاعات زد.

نمونه ای از تراکتها که در مورد نقش ابر قدرت

شوروی تهیه شده است :

(۱)

جانبازی عشاق نه چون بازی نرد است

مردی اگر هست کز وقت نبرد است در صحنه جنگ است که با بمردی و انقلابیگری آشکارا میشود. شما شنین میگویند و وضع زندگی خراب شده جنگ را متوقف کنید یعنی بدام آمریکا بیافشیم. انقلابیون میگویند با وحدت داخلی و جانبازی و مسلح شدن شما می مردم مبارزتان بودی متجا وزین جنگ را ادامه میدهیم.

آمریکا نقشه میریزد شوروی مسلح میکند چین تا شید میکند صدام خاشن تجا وز میکند!

(۲)

ملتی که یکسال بدون اسلحه با دشمن اصلی اش آمریکا و شاه آمریکا میجنگند ملتی که جوان سیزده ساله اش خود را بسه هرا هارنک به زیر تانک صدام آمریکا میبندد به غذا و اسلحه شوروی که به همراه نوکران خود به چکسلواکی لشکر میکند مردم افغانستان را بخاک و خون میکشد که در مقابل تجا وز عراق به ایران اعلام بیطرفی میکنند. نیا زی ندارد. آمریکا نقشه میریزد شوروی مسلح میکند چین تا شید میکند صدام خاشن تجا وز میکند!

مستضعفین ایران نمینخواهند از زیر سلطه آمریکا خارج شوند تا بزیر سلطه شوروی بیروند! مرگ برای امیریا لبست آمریکا!

« » « »

یکی دیگر از تسلیمات مسموم و مخری که این فدا ثیمان اکثریت طرفدار شوروی میکردند این بود که "ایران اسلحه کم دارد و با پیدا شوروی گرفت" و ابلاهی این بحث قصد داشتند را بسطه داشتن با شوروی امیریا لبست را صحیح جلوه داد و این گفتار فریبکار شوروی امیریا لبست را دوست مردم ایران جا بزنند. در این زمینه کا رگران ما رز بحث های مفصلی داشتند و سخت بسه اشغالی این طرفداران شوروی امیریا لبست بنزد خنند یکسانی از

کا رگران قدیمی زن مبارز میگفت "ما با بد در جنگ متکی بخودمان با شیم مگر مردم ویتنا مویچین با غیران و سلاحها می که خود درست کرده بودند با آمریکا ن جنگیدند؟ برای جنگ با آمریکا و مزدور مدام اگر لازم شد با دست خالی و جنگ و دندان هم میجنگیم و ما باید متکی بخودمان با شیم"

در بیان شرحهایی که یکی از کا رگران مبارز به ما سبست جنگ سروده، میآوریم:

در ملت قهرمان	در ملت قهرمان
در همین خاک ایران	در همین خاک ایران
ز جان خود گذشتیم	ز جان خود گذشتیم
حالا که شد رنگون	حالا که شد رنگون
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
این صدام تکبریتی	این صدام تکبریتی
با نقشه آمریکا	با نقشه آمریکا
از ذوق و خونین شهر	از ذوق و خونین شهر
به خاک و خون کشیدند	به خاک و خون کشیدند
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
ای صدام بیچاره	ای صدام بیچاره
بدست و رابا با	بدست و رابا با
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
صدام آمریکا می	صدام آمریکا می
بخاک و خون بکشیم	بخاک و خون بکشیم
مرگ بر این صدام و هم آمریکا	مرگ بر این صدام و هم آمریکا
ای شهیدان ایران	ای شهیدان ایران
طبقه زحمتکشمان	طبقه زحمتکشمان
زنده به روح تسان باد	زنده به روح تسان باد
در صف زحمتکشمان	در صف زحمتکشمان
شهید دادیم هزاران	شهید دادیم هزاران
تا شاه را با بسع کردیم	تا شاه را با بسع کردیم
با کافران ملعون	با کافران ملعون
عازم شویم میدان	عازم شویم میدان
ارتشش ارتجاعی	ارتشش ارتجاعی
با کمک شوروی	با کمک شوروی
آبادان و خرمشهر	آبادان و خرمشهر
خانه های مکنونی	خانه های مکنونی
عازم شویم میدان	عازم شویم میدان
آخرش چی آواره	آخرش چی آواره
حمله کردی به ایران	حمله کردی به ایران
شیا خسته شد کافران	شیا خسته شد کافران
هم روس و هم شوروی	هم روس و هم شوروی
کشورا ستمنا رگران	کشورا ستمنا رگران
شوروی و روس و طرفداران	شوروی و روس و طرفداران
ای ملت قهرمان	ای ملت قهرمان
با انقلاب ایران	با انقلاب ایران
همیشه پایدار باد	همیشه پایدار باد

برای مقابله با تجاوز
ارتش مزدور عراق
متحد و مسلح
شوید!
اتحادیه کمونیستهای ایران

حقیقت
ازگان
اتحادیه کمونیستهای ایران
بخوانید

نجات الیهی

خویشان مردست برای دفاع از سنگرد مکرسی مف کشیده بودند، خیانت خویش را به یکی از آمرمانی ملت بنظمه ظهور گذاشتند، و مردم ایران هرگز خنده و خشن و سرور امیرالها را در این به اصطلاح متغییران نخواستند، نخواهند کرد.

دانشگاه را با کشتن آنها نشو و بیان بستند تا زبان گویای مردم را از آنها بگیرند، دانشگاه را بستند تا مردم نتوانند بیرون از آنها راه هرگز در به در آورند، دانشگاه را بستند تا ماضی خیال باطل چرا که امروز هر کس و بزرگ تنه دانشگاه را تبدیل شده است، متغییران: بر زمین ما چه نوشته است که زمانی مردم قیومان در تشییع جنازه نجات الیهی نه ما شهید قربانی می کنند و درست دو سال پس در کرمان به جسد فاشی شبهت که جان خویش را در کشف دفاع از انقلاب تقدیم مردم ایران کرد، آنگونه بی حرمتی میکنند که وصف ناشدنی است، بر همین ما چه گذشته است و چه دستهای در کار است، که زمانی به انتظار محاهدتهای دانش آموزان، بحق ۱۲ آبان را روز دانشگر، آور ز لقب میدهند و امروز همان دانش آموزان را بخاطر آمرمان ها و عقایدشان از مدارس اخراج میکنند، چه شده است که هر روزی خیابان مشرف به قتلگاه کامران را جانان نام گذاری میکنند و امروز نفسی سران او را از

دانشگاهها اخراج میکنند، بر همین ما چه گذشته است که روزی در تلویزیونش تمویز حمله ارتش به دانشگاه را نشان می دهد و امروز سران آنها را در صف مقدم نما زجمله به نمایش می گذارد.

دانشگاهها را بستند تا زبان گویای مردم رنج دیده را از آن ها بشیرند، اما فرد و حریفان موجود در اجتماعات سیاسی جامعه بر آنند که آنها را بدورت مسخ شده ای بازگشایند.

یکی از متخصصین دم می زند و دیگری متخصص مکتبی میخواند لیکن در واقع هر دو جناح متخصص میخواهند، چرا که جامعه به ارباب رسیده به آنها "مدیران مدبر" میخواهند، اینها نیز چون رژیم گذشته خواهان آنها بودند که دانشگاهها را بکشد، نشان نیروی متخصص تربیت کند، حزب جمهوری اسلام می با تمام قریبهای مکتبی مکتبی متخصصینی چون شیخ الاسلام زاده ها را میخواهد دولتی از دیگر تربیتها در کراس است، اما مردم ایران دانشگاهها را میخواهند که تسدوم لایحه ۱۶ آذرها و ۱۳ آبان ها باشد، مردم دانشگاهی را می خواهند که به بزرگان پرورش یافته در آن راه بر میسارند، با به پیما رند، آنها دانشگاهی را میخواهند که در فاضل بروی دهقان زاده های ایران بساز کرده، آنها دانشگاههایی را می خواهند که علاوه بر پرورش متخصص مردمی، انسانهایی را تربیت نمایند که با حمل پرچم اتحاد ملی مردم بر علیه امپریالیسم و فقر طبقاتی راه گشای دمکراسی باشند، و این خواست تنها در گروی بازگشایی دانشگاههاست، به همت خود مردم است، و این وظیفه پرورش کلیه نیروهای انقلابی است که با تبلیغ خواست بازگشایی دانشگاهها، در جهت با زین گرفتن این سنگر آزادی اقدام نمایند.

ما بر آنیم که در این بنده در صفحه ۱۰

با تمام تبلیغ...

نظامی هستیم، و اگر فرمان دهند، چرا خواهیم کرد، "عضو حقوقدان: شما با بودن دولت قانونی دکتور مدعی چرا با راهی تماس گرفتید؟ شخصی که تبلیغ کرده شخصی نداشته و با نوشته بود؟ شما چرا تماس گرفتید؟

"متهم: آن لفظات را با دید با طرداشته با شید، چرا؟ حضرت آیت الله کاشانی مرا احضار کردند که وظیفه خودتان را انجام دهید، آیا او را قبول ندارید؟ برای اینکه آقای کاشانی فرمودند یک تغییراتی در پیش است.

"عضو حقوقدان: حرف شما بیشتر است، عا-ت چرا که همین آقای کاشانی به مدق بنا مه مینویسد که کودنهای آمریکایی در پیش است.

"متهم: سرور من آسمون مملکت بیگ، دورت دیگری بود، روسها داشتند میبردند!

"عضو حقوقدان: تماس شما با کاشانی بیشتر ادعای شماست.

"متهم: بخیر ایشان مرا مرتباً میخواست و تلفن میکرد "عضو حقوقدان: بهر صورت این مجوزی برای شما نمیتوانسته باشد".....

گفتگوی جالبی است! از یکسو "عضو حقوقدان" سعی در انکار نقش آیت الله کاشانی در کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد دارد، و از سوی دیگر با تمام نقلیه اصرار دارد که حضرت آیت الله هم از وقوع تغییراتی "گاهی داشتند و خودشان مرتباً تلفن میکردند!!" بلاخره "عضو حقوقدان" هم که از نقش "حرفش" در کودتا اطلاعی دارند (ولی به ضرورت زمانه مجبور به حاشا گشته اند) موضوع را در زمینه گیرند، با اظهار "بهر صورت..." از خبر ما خرا در میگذرانند!!

ولی برای صادق بودن در مقابل تاریخ، ما با بیستی حق را در مورد این واقعت تاریخی، به تیمسار با تمام نقلیه بدهیم، البته ما اطلاع نداریم که آیت الله کاشانی چند بار و با و خصوصی به جناب تیمسار و تلفن زده اند، ولی مدارک و اسناد مهور و کتبی از نزدیکی کامل با آیت الله کاشانی و حزب زحمتکشان بقایب آیت و پیروان "فدائی اسلام" شان با کودتاگران ۲۸ مرداد و سپهبد فضل الله زاهدی موجود است.

در اینجا این نکته را هم بگوئیم که برخی از اعضای بانده کاشانی - چون میراشرافی سرما به دار معروف اعضایی - بخاطر عضویشان در این دار و دسته و نزدیکی شان با توطئه گرانی چون آیت برای مدتها از تبع انتقام مردم سردرمان شدند. (که بلاخره پس از گذر وقتهای بسیار توسط حجت الاسلام مهدی نجف آبادی اعسدام شد. علیرغم تومبه های آیت و پیشانی).

آیا تیمسار با تمام نقلیه هم که از اعضای اصلی کودتای ۲۸ مرداد بود، بخاطر نزدیکی با یاران کاشانی از تبع برننده انقلاب محسوط خواهد ماندند؟ بزودی معلوم خواهد شد!



بسیج امکانات همه مرتجعین منطقه

از طرف آمریکا

بایستی رقیب روسی از طرف
امپریالیستهای آمریکایی و
همچنین نفوذ در محیطه آمریکا
قدرت روس است. نیوزویک
اعتراف میکند که "تحلیل -
گران این طرح را بمشابه
اهرمی برای تاثیرگذاری
دولتهای شوروی متبذبه روی
کشورهای فقیری چون سوریه
و یمن جنوبی میکنند". این
روی سکه نیز دنباله همان طرح
ژاندارمی است. برخی از بدیل
و بخشهای شاه خاثن به کشور
هایی چون مصر آن زمان نیز
دقیقا هدفش تحکیم پایه های
امپریالیسم آمریکا در این
کشورها بطور غیر مستقیم بود.
در اینجا هم امپریالیسم آمریکا
تصداد دنباله امکانات مرتجعی
تجمعین محلی خود را بسیج کند.
تا بمشابه سدی در مقابل رقیب
روسی عمل کنند و احیاناً اگر
اوضاع مساعد و برونق مراد بود
در حوزه نفوذ قدرت روس نیز
رخنه کنند. البته ناگفته
نماند که این طرح بخش
کوچکی از نقشه های امپریالیسم
آمریکا در این منطقه است.

اردن و مصر که از ارتش بزرگی
نسبت به درآمدهای خود را
غیر دارند، اکثر این مبالغ را
خواهند گرفت. بسیاری ساده تر
این طرح بمعنای آنست که
کشورهای صادرکننده نفت
چون عربستان سعودی، اما
رات متبذبه عربی و کویت...
که خود از نیروی انسانی کافی
برای تشکیل ارتشهای قوی
بهره مند نیستند به کشورهای
که دارای نیروی انسانی کافی
نی بوده ولی از پول بی بهره
اند، کمک مالی میکنند. این
ارتشها در خدمت امپریالیسم
آمریکا و برای سرکوب انقلاب
های مردم این منطقه بکار
خواهند رفت. در حقیقت این
طرح ادامه همان سیاست
شیگسون و ژاندارم پروراندن
در منطقه در سطحی بالاتر میآید.
شده. طرحی است برای متبذبه
گردانیدن همه امکانات مرتجعی
تجمعین محلی و نوکران آمریکا
برای مقابله با انقلاب مردم
منطقه. این یک روی این طرح
است.
روی دیگر، هدف دیگر
این طرح، جلوگیری از نفوذ

گرفت که بموجب آن کشورهای
غنی عرب سالها به مبلغی بین
۱/۵ تا ۲/۵ میلیارد دلار به
کشورهای "فقیر" عرب کمک
خواهند کرد.
"این مبلغ بر مبنای
قرمولی که درآمدهای
رج نظامی یک کشور را در نظر
دارد، تقسیم خواهد گشت" به
عبارت دیگر کشورهای چون

مجله آمریکا شنیوز -
ویک "۸ دسامبر ۱۹۸۰) خبر
کوچکی دارد که پرده از روی یکی
دیگر از ترطه های آمریکا بر
میدارد. بر مبنای این خبر در
کنفرانس اخیر کشورهای عرب
که در مان تشکیل شد (ومده ای
از کشورها چون لیبی و الجزایر
و سوریه و... آن را تشریح
کردند) طرحی مؤرد تمویب قرار

مدافعین اشتغالگری "قانونی" و "مشروع"

مشروع "خواهد بود. ولی کدام
"قانون" و کدام "شرع" مقدس؟
قانون امپریالیستی تزارهای
نورین قانون سلطه گری و الحاق
گری کولمبن نشینان مسکو،
"شرع" یا صلاح کمونیستی
امثال بوژن و پاناماریوف
و نوکران ریزورشتان چون
بهرک گامبل و منگیستوها یله
مریم و البته جناب فیئدل
کاسترو.
ضمین "قانون" و "شرع"
مقدس بود که سوسیال امپریالیسم
لیستهای روس را در دفاع از
انقلاب گدایی به لشکرکشی
به افغانستان و قتل و کشتار
مردم آن دیار ترغیب و تشویق
کرد. ضمین "قانون" و "شرع"
مقدس بوده است که سربازان
کوبایی و چون مزدوران در
گوشه و کنار جهان برای ماجرا
جویی های سوسیال امپریالیسم
لیستهای روسی پراکنده ساخته
است و همین "قانون" و "شرع"
به آنهاست برای لشکرکشی
احتدالی به لیستیان.
برای این اظیارات
فیئدل کاسترو در ایران نیروی
بقیه در صفحه ۷

اخیرا فیئدل کاسترو -
اشانایی دیروزین و مسداح
شوروی سوسیال امپریالیستی
امروزین - طی نطقی در کنگره
دوم حزب با مطلق کمونیست
کوبا به تاج و زگری و اشتغالگری
اربابان روسی خود "مشروعیت"
و "قانونیت" بخشیده اند.
موضوع مورد بحث فیئدل
کاسترو، اجباراً اوضاع بحرانی
لیستان بوده است. فیئدل کاسترو
در در نطق خود میگوید: "...
لیستانی ها وظیفه مقدس دارند
با وسایل خودشان مشکلات
خودشان را حل کنند. ولی اگر
به حل این مشکلات نائل نشوند
برای دفاع از وحدت سوسیالیسم
لیستی مداخله از خارج قانونی
و مشروع خواهد بود" و "کشور
دای سوسیالیست حق دارند
برای نجات کمونیسم مداخله
کنند."
جداً وقاحت هم حسد و
اشنازه ای دارد. بایک ترجیع
بند "دفاع از وحدت سوسیالیسم"
لیستی "دروغین" و "نجات
کمونیسم" نوع روسی هرگونه
اشنا لگری و تاج و ز مداخله
امپریالیستی "تائونسی و

در این مورد با شما نقلیج

راست می گوید!!

گفتگوی زبرد محاکمه شیماربا تما نقلیج - رئیس
ستاد ارتش کودتای ۲۸ مرداد - بین او و عضو قوقدان "دادگاه
صورت گرفته است. ما آن را عیناً از "انقلاب اسلامی" (۲۴ آذر)
نقل میکنیم:
"متهم... تنها در ۲۵ مرداد دبا من تماس گرفته شد
و گفته شد که تغییراتی در پیش است. و من گفتم که
بقیه در صفحه ۱۳